

Legal Nature of Covert Surveillance of Places in Iranian Law

Mehdi Abduli Maryoli¹
Mohammad Jafar Saed²
Nasser Ghasemi³

Prosecution and prosecution of criminal acts always occur when these acts are discovered, on the other hand, the criminal case is sent from the court to the prosecutor's office when the evidence of conviction is sufficient to issue a conviction. Many stages of discovery of evidence and preliminary investigations are obtained during police operations. This operation can also include site inspections, which were discussed in this article and discussed in a descriptive-analytical manner; Covert surveillance of places was audiovisual. This type of monitoring is called eavesdropping in legal terms. It was observed that the Constitution and the Code of Criminal Procedure prohibit illegal entry into places and make its inspection and inspection conditional on the presence of individuals. However, this type of monitoring has been approved by the legislature in two ways. One is the case related to the internal and external security of the country and the other is the case related to the detection of crimes subject to paragraphs A,B,C and T of Article 302 of the Code of Criminal Procedure. However, it is important to note that the legal issue raised in Article150 of the Code of Judicial Procedure is telecommunications control, and the issue of the present study mostly involves spatial monitoring, which is in fact a kind of inspection and is controlled by Article137. Therefore, in order to prevent any exercise of taste in the field of privacy violations; Exclusive cases where audio and visual monitoring is possible; be explicitly mentioned in future laws.

Keywords: Location Monitoring, Private Places, Constitution; The Islamic Penal Code.

-
1. Ph.D. Candidate in Criminal and Criminology, Tehran Center Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran Smarvili@yahoo.com
 2. Corresponding author: Assistant Professor, Department of Criminal and Criminology, Tehran Center Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran M.j.saed@gmail.com
 3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology University of Judicial Sciences, Tehran, Iran Dr.ghasmir6@gmail.com

بررسی قوانین مربوط به «پایش پنهانی مکان‌ها» در ایران

مهدی عبدلی مریولی^۱

محمدجعفر ساعد^۲

ناصر قاسمی^۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۸

نشریه علمی آفاق امنیت / سال چهاردهم / شماره پنجاه و سوم - زمستان ۱۴۰۰: ۲۷۶-۲۵۵

چکیده

تحقیقات مقدماتی در خصوص جرایم در برخی موارد می‌تواند چالش‌هایی به دنبال داشته باشد. از سوی دیگر پیگیری و رسیدگی اعمال مجرمانه، همواره زمانی به وقوع می‌پیوندد که این اعمال کشف شده باشند و پرونده کیفری زمانی از دادگاه به دادسرا گسیل می‌شود که ادله محکومیت جهت صدور قرار مجرمیت کفایت نماید. بسیاری از مراحل کشف ادله و تحقیقات مقدماتی طی عملیات پلیسی بدست می‌آید. این عملیات می‌تواند شامل پایش پنهانی مکان‌ها نیز باشد، آنچه مورد بحث این مقاله بود و به روش توصیفی - تحلیلی به آن پرداختیم؛ پایش مخفیانه اماکن به صورت سمعی و بصری بود. ضرورت انجام این تحقیق آن است که پایش پنهانی مکان‌ها از حیث تعرض به حقوق خصوصی افراد می‌تواند مناقشه‌برانگیز باشد. به این نوع پایش در اصطلاح حقوقی استراق سمع یا شنود گفته می‌شود. مشاهده گردید که قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری ورود غیرقانونی به اماکن را ممنوع و تفتیش و بازرسی از آن را منوط به حضور مالکان نموده‌اند. به‌عنوان نتیجه بحث می‌توان اعلام نمود این نوع از پایش در دو حالت مورد تأیید مقنن قرار گرفته است. یکی حالتی که مربوط به امنیت داخلی و خارجی کشور باشد و دیگری حالتی که مربوط به کشف جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری باشد. هر چند توجه به این نکته حائز اهمیت است که مسئله قانونی مطروحه در ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی، کنترل مخابراتی است و مسئله پژوهش حاضر بیشتر شامل پایش مکانی می‌گردد که در حقیقت نوعی تفتیش و تحت سیطره ماده ۱۳۷ قرار می‌گیرد. لذا جهت جلوگیری از هر گونه اعمال سلیقه در زمینه نقض حریم خصوصی؛ بهتر است موارد حصری که امکان پایش سمعی و بصری در آن وجود دارد؛ طی قوانین آتی صراحتاً مورد اشاره قرار بگیرد.

کلید واژه‌ها:

پایش پنهانی مکان‌ها؛ اماکن خصوصی؛ قانون اساسی؛ قانون مجازات اسلامی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Smarvili@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

M.j.saed@gmail.com

۳. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم قضایی، تهران، ایران

Dr.ghasmir6@gmail.com

مقدمه

یکی از تقسیمات حریم خصوصی فیزیکی افراد حریم مکانی نام دارد که دارای حرمت بوده و باید توسط قانون مورد حمایت قرار گیرد. شکی نیست که خانه‌ای که انسان در آن زندگی می‌کند به‌عنوان مملکت و سرزمین خاص وی و محیطی که در آن احساس آرامش می‌کند محسوب می‌شود. خانه برای انسان پناهگاه و صندوقی برای حفاظت از مایملک اوست. این پناهگاه حافظ اسرار و خصوصیات مادی و معنوی انسان است. لذا باید جو منزل دور از هر مزاحم بیگانه باشد می‌توان این نتیجه را گرفت که این مطلب نشان‌دهنده‌ی آزادی شخصی است که خداوند به انسان بخشیده است و می‌توان گفت که منزل دارای حرمتی است که از حقوق طبیعی انسان است. (آقابابایی، ۱۳۹۷: ۲۵)

در این پژوهش به بررسی و تجزیه و تحلیل سیاست قانون‌گذار در رابطه با ورود پنهانی در این نوع از مکان‌ها جهت پایش سمعی و بصری می‌پردازیم. روش مورد استفاده در این پژوهش روش توصیفی تحلیلی می‌باشد که در آن به منابع کتابخانه‌ای رجوع شده است. لازم به توضیح است که این نوع از ورود تحت عنوان تفتیش و بازرسی قرار نمی‌گیرد چرا که تفتیش و بازرسی از شقوق ورود غیرپنهانی بوده و مشمول پایش مورد نظر این پژوهش نیست. از طرفی که پایش سمعی و بصری دارای انواع مختلفی است برای مثال برخی از این نوع پایش در حوزه فضای مجازی و در زمان انتقال داده‌پیام بین دو سیستم رخ می‌دهد و یا از طریق کنترل ارتباطات مخابراتی طرفین اما در پاره‌ای از موارد پایش سمعی و بصری از طریق نقض حریم خصوصی مکانی فرد با ورود پنهانی به آن صورت می‌گیرد و به‌نوعی در این نوع از پایش حریم خصوصی فرد دو بار نقض می‌شود، که میزان انطباق آن با قوانین در این پژوهش بررسی خواهد شد.

حساسیت این نوع از پایش به جهت نقض حریم مکانی و به تبع آن حریم معنوی که از جمله عالی‌ترین حریم خصوصی انسان است بسیار بالا بوده لذا سیاست تقنینی باید با تعیین چارچوب دقیق موارد مجاز نقض و همچنین با تعیین مکانیزم‌های حمایتی با جرم‌انگاری و تعیین کیفرهای متناسب از نقض خارج از چارچوب جلوگیری به عمل آورد. به هر روی در این پژوهش بر آنیم تا وضعیت سیاست تقنینی در این خصوص را مورد کنکاش قرار دهیم نقاط قوت و ضعف موجود را بررسی و تجزیه و تحلیل نماییم. به‌طور مختصر باید عنوان نمود متأسفانه سیاست تقنینی ایران در این خصوص چارچوب جامع و مانعی را با شرایط لازم ترسیم ننموده است و همین امر به‌واسطه نیازهای جامعه کاشف و ناگزیر بودن از نقض باعث شده در قضا و اجرا تعارض به وجود آید که این امر در ادامه تشریح می‌گردد.



ایضاح مفاهیم محوری

۱- حریم خصوصی مسکن

در فرهنگ لغت مسکن به معنای محل سکونت، جای باش، منزل و مقام آمده است. (معین، ۱۳۸۷: ۴۱۱۴) مراد از منزل محل اقامت مذکور در قوانین مدنی یا تجاری یا آئین دادرسی نیست، مقصود از آن هر محل و مکان و محفظی است که شخص در آن سکونت می‌کند و به اعتبار آن حق دارد در آنجا آزادانه دراز بکشد، بخوابد، مطالعه کند، کار کند و بالجمله بدون مزاحمت و تعرض به زندگی جاری خود ادامه دهد. داشتن یک چنین پناهگاه و خاندهای از امور طبیعی است. دائم یا موقت بدون سکونت، مؤثر در مقام نیست؛ پس یک اتاق مبله هتل که برای چند روز اجاره داده شده باشد از مصادیق منزل است. بزرگ یا کوچک بودن منزل یا نوع ساختمان و حفاظ آن تأثیری در مقام ندارد. منزلی که از نی و حصیر آماده شده باشد و ساختمان چند طبقه سیمانی و سنگی حکم واحد را دارد. ثابت یا متحرک بودن منزل نیز شرط نیست منزلی که اهل دریا و صیادان بر روی قایق‌های روان خود برای زندگی دریایی خویش می‌سازند در حکم منزل است. عنوان قانون و نوع حق صاحب‌منزل اعم از مالکیت یا تصرف یا حق سکنی یا اجاره موقت در تصرف، مؤثر در جرم نمی‌باشد. (جمشیدی، ۱۳۹۷: ۱۲۵)

در ماده ۱ آئین‌نامه اجرائی، قانون الزام اختصاص شماره ملی و کد پستی برای کلیه اتباع ایرانی مصوب هیأت وزیران در تعریف مسکن گفته شده: «محل سکونت مکانی است که شخص اظهار می‌دارد که در آنجا زندگی می‌کند.» علاوه بر این اوصاف، اگر از محلی هم به‌عنوان محل کار و هم محل سکونت استفاده شود زمانی که آن محل برای شخص کارکرد مسکن را دارد تحت حمایت‌های قانونی از منزل و محل سکونت قرار خواهند گرفت. (آقایی‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۱۴) البته توجه به این نکته ضروری است که برای قرار گرفتن مسکن تحت حمایت‌های قانونی لازم است آن محل، عملاً مسکونی یا مهیا برای سکونت باشد. (جمشیدی، ۱۳۹۷: ۱۳۰) توضیح آنکه طبق ماده ۳۸ قانون مدنی مالکیت زمین مستلزم مالکیت فضای محاذی آن است تا هرکجا که بالا برویم و هم‌چنین است نسبت به زیرزمین، بالجمله مالک حق هرگونه تصرف در هوا را دارد مگر آنچه قانون استثنا کرده باشد. با این توضیحات به بیان قوانین موضوعه در حمایت از حریم خصوصی مسکن می‌پردازیم.

۲- سیاست تقنینی ایران در حمایت از حریم مکان

یکی از مهم‌ترین اقدامات قضایی در جمع‌آوری دلایل، کشف، ضبط اشیاء، اموال و وسیله جرم و یا وسایل از جرم تحصیل شده، پایش سمعی و بصری منزل و سایر

مکان‌هایی است که مرتکب جرم از آن‌ها برای پنهان کردن وسایل مزبور استفاده می‌کند. این اقدامات، امکان انجام همه مشاهدات مفید را برای بازپرس فراهم می‌کند. در تفتیش منزل باید بین حقوق افراد (اصل مصونیت مسکن) از یک‌سو و حقوق جامعه (اصل کشف حقیقت) از سوی دیگر توازن برقرار کرد. در این مبحث به وضعیت قوانین و مقررات موجود در زمینه حمایت و نقض حریم خصوصی مسکن به‌منظور پایش سمعی و بصری می‌پردازیم.

۳- قانون اساسی

در اصل ۲۲ قانون اساسی به‌طور صریح آمده است که حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است. مگر در مواردی که قانون مجاز دانسته است، مانند اجازهای که مقامات صالح برای کشف جرم برای شنود و یا ورود پنهانی می‌دهند. لذا مطابق این اصل که توضیحات کلی آن پیش‌تر بیان گردید مسکن یا محل سکنی اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. یکی از مصادیق تعرض همین ورود پنهانی برای پایش سمعی و بصری است. در این باب نیز مطابق رویه معمول قانون‌گذار ایرانی اصل اولیه در ورود پنهانی برای پایش را حرمت و ممنوعیت به‌طور کلی قلمداد کرده و ورود اشخاص به منزل دیگران مستلزم کسب اجازه از صاحب یا متصرف آن شده است و اگر کسی در غیاب صاحب‌خانه وارد منزل دیگری شود و اذن ورود به منزل نیز نداشته باشد این ورود غیرقانونی و از حیث کیفری قابل تعقیب است. (میرزایی، ۱۳۹۹: ۷۸)

اهمیت مسکن از دیدگاه قانون اساسی به‌قدری زیاد بوده است که مسکن را با آنکه جزء اموال می‌باشد جدای از مال و مستقل از آن ذکر کرده است. چون مسکن ممکن است مال شخص نباشد و استیجاری باشد و حتی ممکن است به‌صورت نامشروع از محلی به‌عنوان مسکن استفاده شود ولی از نظر قانون هرجایی که به‌عنوان مسکن مورد استفاده قرار می‌گیرد محکوم به حرمت است. (رضایی، ۱۳۹۸: ۹۰)

محدوده مجاز ورود به منازل از منظر قانون آیین دادرسی کیفری

در قانون آیین دادرسی کیفری ورود به منزل دیگری توسط ضابطین تحت شرایطی پذیرفته شده است اما این جواز برخلاف آنچه برخی تصور می‌کنند جواز ورود پنهانی برای پایش سمعی و یا بصری محسوب نمی‌شود؛ چراکه درست است که قانون‌گذار در ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد «ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آن‌ها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیرمشهود با اجازه مودی مقام قضایی



است، هرچند وی اجرای تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.» اما در ماده ۵۸ همین قانون ضابطان دادگستری باید به هنگام ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، ضمن ارائه اوراق هویت ضابط بودن خود، اصل دستور قضایی را به متصرف محل نشان دهند و مراتب را در صورت مجلس قید نمایند و به امضاء شخص یا اشخاص حاضر برسانند. لذا این امر با ورود به مکان دیگری جهت نصب دوربین مخفی و یا دستگاه‌های استراق سمع منافات دارد؛ چراکه در این موارد ورود به منزل دیگری باید به‌صورت پنهانی باشد در غیر این صورت این اقدام محلی از اعراب ندارد از طرفی وفق ماده ۱۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ تفتیش و بازرسی منزل یا محل سکنی افراد در حضور متصرف یا ارشد حاضران و در صورت ضرورت با حضور شهود تحقیق، ضمن رعایت موازین شرعی و قانونی، حفظ نظم محل مورد بازرسی و مراعات حرمت متصرفان و ساکنان و مجاوران آن به عمل می‌آید. حتی در تبصره ماده فوق‌الذکر آورده شده که هرگاه در محل مورد بازرسی کسی نباشد، در صورت فوریت، بازرسی در غیاب متصرفان و ساکنان محل، با حضور دو نفر از اهل محل به عمل می‌آید و مراتب فوریت در صورت‌مجلس قید می‌شود. لذا از قانون آیین دادرسی کیفری نمی‌توان جواز ورود پنهانی برای پایش سمعی و بصری را استخراج نمود هرچند تحت شرایطی جواز ورود جهت تفتیش و بازرسی یا جلب متهم صادر شده باشد. پس سؤال اساسی اینجاست جواز ورود جهت پایش پنهانی از کدام مرجع باید استخراج شود سؤال است که در مباحث نهایی به آن خواهیم پرداخت.

حمایت کیفری قانون‌گذار

در سیاست تقنینی ایران ممنوعیت ورود پنهانی برای پایش به‌صورت کلی در اصول قانون اساسی با منع کلی تجسس و تعرض پیش‌بینی شده است لیکن ضمانت اجرای ورود غیرمجاز مبحثی دیگر است که باید از قوانین کیفری استخراج گردد در حقوق کیفری ایران تحت دو عنوان ورود غیرمجاز به محل سکونت غیر جرم‌انگاری شده که ذیلاً تشریح می‌گردد.

۱. ماده ۱۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری «تفتیش و بازرسی منزل یا محل سکنتای افراد در حضور متصرف یا ارشد حاضران و در صورت ضرورت با حضور شهود تحقیق، ضمن رعایت موازین شرعی و قانونی، حفظ نظم محل مورد بازرسی و مراعات حرمت متصرفان و ساکنان و مجاوران آن به‌عمل می‌آید. تبصره: هرگاه در محل مورد بازرسی کسی نباشد، در صورت فوریت، بازرسی در غیاب متصرفان و ساکنان محل، با حضور دو نفر از اهل محل به‌عمل می‌آید و مراتب فوریت در صورت‌مجلس قید می‌شود.»





۱- هتک حرمت منزل شخصی به وسیله‌ی مأمورین دولتی

در این راستا ماده ۵۸۰ قانون تعزیرات مقرر می‌دارد «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضائی یا غیرقضائی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضایت صاحب‌منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت نماید به امر یکی از رؤسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.»

رفتار مادی این جرم ورود به منزل غیراست که صرفاً به صورت فعل قابل تحقق است. هم‌چنین این جرم آنی و ساده است. یعنی به صرف ورود مأمور دولتی و در صورت اجماع سایر شرایط جرم محقق می‌شود. البته باید توجه داشت که در جرم ورود مأمورین دولتی به منزل غیر، سمت مرتکب از شرایط اصلی تحقق جرم است. بدین معنا که در صورت زوال این شرط، عمل مرتکب حسب مورد می‌تواند مشمول ماده ۶۹۴ یا ۶۹۱ شود. بنابراین مأمور دولت کسی است که دارای رابطه استخدامی با دولت است و در اینجا نوع رابطه استخدامی، رسمی، پیمانی، خرید خدمتی یا روزمزد مؤثر نیست. (شکری و سیروس، ۱۳۸۴: ۵۲۳)

برای تحقق جرم ورود به منزل دیگری، عمد در ورود غیرمجاز به منزل غیر، ضروری است. بنابراین مأموری که به غلط ولی به طور صادقانه، تصور کند که صاحب‌خانه یا مقام ذی صلاح قضائی به او اذن ورود داده است، یا آن منزل را به اشتباه منزل خود بیندارد و وارد آن شود، مشمول ماده ۵۸۰ نخواهد شد.

مقنن در انتهای ماده ۵۸۰ با وجود شرط مکره شدن به امر رئیس صلاحیت‌دار مجازات را در حق آمر و نه مرتکب دانسته است. با توجه به سیاق عبارت، به نظر می‌رسد منظور از «مکره به اطاعت امر او بوده» اشاره به اکراهی که موجب زوال اختیار مأمور شده نیست.^۲ یعنی همان شرطی که در ماده ۱۵۱ «قانون مجازات اسلامی» ذکر شده است. البته مأمور باید امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجرا کرده باشد تا

۱. ماده ۶۹۴ تحت عنوان هتک حرمت منزل توسط اشخاص عادی قرار می‌گیرد که در ادامه بحث توضیح داده خواهد شد.

۲. جهت ملاحظه نظر مخالف. ر.ک. حسین آقایی نیا، ۱۳۹۶: ص ۲۰۲.

بتواند از مسئولیت کیفری بگریزد و گرنه آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند. همان‌طور که ذکر شد، وجود منزل متعلق به غیر که مورد هتک واقع شده باشد، شرط تحقق این جرم است. البته نباید منظور از خانه یا منزل به‌اشتباه مترادف مفهوم اقامتگاه در حقوق خصوصی تلقی شود. معیار سنجش منزل برای تحقق هتک حرمت نسبت به آن، اشغال محل مسکونی توسط یک شخص است، به‌طوری که صرف‌نظر از اقامت دائم در آن بتواند آنجا را خانه خود تلقی کند.

بهترین شاخص برای تعیین مسکونی بودن محل، امکان واقعی و عملی سکونت و محل استراحت است، هر چند که در این زمینه نظریات متفاوتی از جانب نویسندگان دیگر ابراز شده است. به نظر برخی از نویسندگان، منزل مسکونی یک فرد جایی است که صرف‌نظر از سکونت عملی در آن، بتواند آنجا را خانه خود تلقی کند؛ بنابراین ورود به یک محل فاقد وسایل زندگی که هیچ‌کس در آنجا زندگی نمی‌کند و از سکونت بعدی در آنجا اثری نیست مشمول جرم هتک حرمت منزل نمی‌باشد. (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۵۱۸)

در مقابل برخی دیگر معتقدند باید میان منزل در مفهوم محل سکنی و محلی که مهیا برای سکنی است قائل به تفصیل شد. محل مهیا برای سکنی یعنی جایی که از نظر ساختار و تجهیزات کاملاً آماده بهره‌برداری است ولی سکونت در مفهوم عرفی آن هنوز آغاز نشده لذا ورود به این‌گونه اماکن مشمول جرم موصوف نیست هرچند می‌توان چنین اماکنی را ملک نامید. در نتیجه وجود وسایل زندگی در یک ساختمان لزوماً به معنی شروع به سکونت نیست بلکه سکونت در مفهوم عرفی آن باید عملاً شروع شده و خاتمه نیافته باشد. (آقایی‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۱۵)

نکته بسیار مهمی که در این خصوص باید به آن پرداخت این است که چنانچه مأمورین دولتی با عملیات متقلبانه ساکن محل را فریب دهند و وارد منزل وی شده و مبادرت به تجهیز فنی و پایش سمعی و بصری شوند عمل آن‌ها مشمول جرم ورود غیرمجاز به منزل غیر خواهد شد لذا مأمورین دولتی در صورتی که با ایجاد پوشش‌های اطلاعاتی مبادرت به فریب ساکن محل نموده و وارد منزل وی شوند نمی‌توانند به رضایت صاحب‌منزل برای ورود استناد کنند و عمل آن‌ها مصداق بارز جرم ورود غیرمجاز است. برای تحقق جرم مذکور در ماده ۵۸۰ ق. م. ا احراز عمد مرتکب لازم است تحقق عمد در این جرم مستلزم آگاهی مأمور به تعلق منزل به غیر و فقدان اجازه قانونی یا عدم مجوز و رضایت صاحب‌منزل از یک‌سو و قاصد بودن در داخل شدن به آن است. در تحقق این جرم صرف ورود به منزل با نبود مجوز قانونی و یا عدم اجازه و رضایت صاحب‌منزل کافی است برخلاف ماده ۶۹۴ ق. م. ا که اعمال عنف یا تهدید برای ورود شرط تحقق جرم است.

۲- ورود غیرمجاز به منزل غیر توسط افراد عادی

در این رابطه ماده ۶۹۴ قانون تعزیرات مقرر می‌دارد «هرکس در منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید وارد شود به مجازات شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لاقلاً یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا شش سال محکوم می‌شوند.» سابقه قانونی این ماده به ماده ۲۶۶ ق.م.ع مصوب ۱۳۰۴^۱ بازمی‌گردد و تفاوت ماده اخیر با ماده ۶۹۴ قانون تعزیرات را می‌توان در میزان مجازات مقرر و نیز تشدید مجازات مندرج در این دو ماده مشاهده کرد.

ماده ۶۹۴ قانون تعزیرات مرتکب جرم هتک حرمت منزل یا مسکن دیگری را مستوجب ۶ ماه تا ۳ سال حبس دانسته است. جرم مزبور از جرائم قابل گذشت بوده و جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب آغاز نمی‌شود و در صورتی که شاکی خصوصی گذشت کند قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود. تعداد مرتکبین در ایجاد خطر و وحشت به زیان ساکنین مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. به طوری که وقتی مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لاقلاً یکی از آنان حامل سلاح باشد، مجاز است ارتکاب جرم به حساب مورد از یک سال تا شش سال افزایش می‌یابد. (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۲۲۵)

رفتار مادی مرتکب همانند ماده ۵۸۰ قانون تعزیرات است و در واقع این جرم نیز فقط با فعل مثبت امکان‌پذیر است و با ترک فعل جرم محقق نمی‌شود. این ورود می‌تواند با هر روش مانند ورود از طریق پنجره و در و نقب‌زن و غیره تحقق یابد. شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم مذکور این است که ورود باید با عنف و تهدید باشد. به عبارتی برخلاف ماده ۵۸۰ که عدم رضایت صاحب منزل برای تحقق جرم (البته با اجتماع شرایط) لازم بوده در این ماده علاوه بر عدم رضایت که به طریق اولی از اعمال تهدید یا عنف استنباط می‌شود نیاز به عوامل اخیرالذکر نیز هست.

ارتکاب جرم هتک حرمت منزل دیگری با توسل به عنف و تهدید عنصر مادی جرم مزبور را تشکیل می‌دهد. هتک حرمت منزل دیگری مستلزم احراز فقدان رضایت صاحب‌منزل برای ورود دیگری است و لذا در صورتی که صاحب‌منزل از ورود شخص به خانه راضی بوده و یا از نحوه رفتار وی موجبات فرض وجود رضایت قلبی برای ورود دیگری فراهم شود تحقق جرم مزبور منتفی است. مصادیق رفتار غیرمتعارف و یا غیرمعمول ممکن

۱. ماده ۲۶۶- هر کس در منزل و مسکن دیگری به عنف یا تهدید وارد شود به حبس تأدیبی از دو ماه الی یک‌سال محکوم خواهد شد. در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و یکی از آنها حامل سلاح باشد و یا بیش از سه نفر بوده ولو هیچ‌یک مسلح نباشند به حبس تأدیبی از سه ماه الی دو سال محکوم می‌شوند.



است عملیات متقلبانه از طریق هجوم، حمله، تهدید، کتک‌کاری، اجبار و یا اکراه باشد. اکراه ممکن است با اعمال فشار روحی و اخلاقی بر صاحب‌منزل به نحوی باشد که وی را وادار به قبول داخل شدن دیگری به مسکن نماید. عملیات متقلبانه شامل هر نوع حيله یا تقلبی می‌گردد که منتهی به داخل شدن و حضور در منزل دیگری با فریب ساکن قانونی یا کسی شود که در غیاب صاحب‌منزل، از محل نگهداری می‌کند. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸: ۴۸۱)

برای شمول ماده ۶۹۴، ورود به خانه یا مسکن باید با علف یا تهدید صورت گیرد. منظور از «تهدید» ترساندن کسی است که در منزل ساکن است. این کار ممکن است با کلام یا رفتار (مثلاً سلاح کشیدن بر روی او) صورت گیرد. در مورد معنی علف برخی از نویسندگان آن را به معنی عدم رضایت صاحب‌خانه یا متصرف قانونی آن دانسته‌اند که از جمله آن ورود به منزل دیگری به صورت پنهانی و یا با فریب وی برای پایش سمعی و بصری را می‌توان نام برد.

در تأیید این نظر می‌توان به نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه استناد کرد. «با توجه به این که ورود اشخاص به منازل دیگران مستلزم کسب اجازه ورود به منزل است بنابراین کسی که در غیاب صاحب‌خانه وارد منزل دیگری شود و اذن ورود به منزل نیز نداشته باشد، این ورود به منزل از مصادیق علف تلقی می‌گردد و عمل مرتکب مشمول ماده ۶۹۴ قانون مجازات اسلامی است»^۱.

البته عده‌ای از حقوقدانان بر این عقیده‌اند که برای تحقق علف مقداری از چاشنی خشونت لازم است، زیرا این بیان از علف را مغایر با اصل تفسیر مضیق قوانین جزائی می‌دانند. به عبارتی واژه علف نشانگر اعمال خشونت و قهر و غلبه است، اعم از این که اعمال خشونت‌آمیز علیه اشخاص، مثلاً با بستن دست و پای صاحب‌خانه یا حتی هل دادن وی صورت گیرد یا علیه اموال باشد، مثلاً با تخریب دیوار یا شکستن پنجره. با این تفسیر، ورود از روی دیوار یا از در باز و یا با حيله و تقلب را نمی‌توان مشمول ماده ۶۹۴ دانست. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸: ۱۳۶)

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که هرگاه کسی به علف یا تهدید وارد منزل خودش که دیگری آن را غصب کرده است شود، مشمول ماده ۶۹۴ نمی‌گردد، لیکن موجری که برای مجبور کردن مستأجر به تخلیه عین مستأجره به علف یا تهدید وارد آن می‌شود، مشمول این ماده خواهد شد. (جمشیدی، ۱۳۹۷: ۴۱) در انتهای ماده ۶۹۴،

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۴۰۲، مورخ ۱۳۸۱/۳/۱۲ اداره حقوقی قوه قضائیه.

مجازات مرتکبانی که دو نفر یا بیشتر بوده و لاقلاً یکی از آنها حامل سلاح باشد، تشدید شده و به یک تا شش سال حبس افزایش یافته است. منظور از سلاح در این بخش از ماده اعم از سلاح سرد یا گرم، ظاهر یا مخفی و پر یا خالی است، ولی سلاح‌های بدلی و تقلبی را در بر نمی‌گیرد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۹: ۵۷)

فرق تهدید با عنف در این است که تهدید زمانی رخ می‌دهد که صاحب‌منزل در محل حضور داشته باشد و مرتکب جرم با او مواجه شود. ولی برای اعمال عنف الزاماً نیازی به حضور صاحب‌خانه نیست، چراکه عنف هم نسبت به انسان هم نسبت به اشیا به کار می‌رود. یعنی در صورت عدم حضور صاحب‌منزل، مرتکب با شکستن در و پنجره و امثال آن می‌تواند با عنف وارد منزل غیر شود^۱ در واقع اعمال عنف اعم از مادی یا معنوی^۱ تحت شمول ماده ۶۹۴ قرار می‌گیرد. همچنین لازم است به‌گونه‌ای باشد که نوعاً فرد را مقهور خود کرده و در وی مؤثر باشد. در غیر این صورت تهدید که به واسطه شخصیت و خصوصیات مرتکب یا صاحب‌خانه عملی نبوده یا آن‌که اساساً مؤثر نباشد نمی‌تواند در تحقق این جرم نقش داشته باشد. (جمشیدی، ۱۳۹۷: ۴۸) با مذاقه در نظریات عنوان شده به نظر می‌رسد ورود پنهانی برای پایش سمعی یا بصری به مکان غیر توسط افراد عادی مشمول این ماده می‌شود چراکه ورود پنهانی و یا ورود با دسیسه و فریب نوعی ورود به عنف محسوب می‌گردد.

جرم موضوع ماده ۶۹۴ قانون تعزیرات جرم عمدی است و باید مرتکب به غیرقانونی بودن و فقدان حق ورود به منزل دیگری آگاه باشد. برای کسی که از پنجره خانه‌ای وارد منزل دیگری می‌شود، فرض حسن نیت در انجام ورود مردود است. انگیزه مرتکب اعم از شرافتمندانه یا غیر آن تأثیری در تحقق جرم ندارد.

هم‌چنین لازم است مرتکب به مسکونی بودن منزل (و تعلق داشتن آن به دیگری) آگاه باشد بنابراین اگر کسی در اثر اشتباه قابل قبولی و به‌تصور اینکه هنوز کسی در این منزل

۱. عنف می‌تواند مادی یا معنوی باشد، از موارد عنف مادی، شکستن در و پنجره یا کتک زدن افراد است و از مصادیق عنف معنوی نیز می‌توان به هتک حرمت مانند بالا رفتن از دیوار یا کلید انداختن به در برای ورود به ملک به‌صورت پنهانی و همچنین فریب صاحب‌خانه اشاره کرد. طبیعی است در چنین شرایطی، مالک یا متصرف، رضایت ندارد، لازم نیست که حتماً مالک یا متصرف در محلی که مورد ورود غیرقانونی واقع شده است، حضور داشته باشد تا جرم ورود غیرقانونی یا ورود به عنف به اماکن خصوصی محقق شود؛ در حقیقت، حضور وی، شرط وقوع این جرم نیست. جرم ورود غیرقانونی و ورود به عنف به اماکن خصوصی، از بعضی لحاظ به جرایمی مانند تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت نزدیک بوده اما با آن‌ها مطابقت ندارد. (www.yasa.co)



سکونت ندارد به عنف وارد شود، مورد را باید از مصادیق ماده ۱۶۹۱ قانون تعزیرات به حساب آورد. علاوه بر این در صورتی که مرتکب تصور کند که منزل متعلق به اوست و یا مجاز به ورود به آن است و با این تصور وارد منزل دیگری شود، مشمول ماده مزبور نخواهد شد. (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۲۲۸)

۳- حریم خصوصی اتومبیل اشخاص

گاهی اوقات ورود پنهانی و یا با دسیسه و نیرنگ به منظور پایش سمعی و بصری به اتومبیل و وسایلی نظیر آن صورت می‌گیرد. سؤال اینجاست آیا قانون‌گذار ایرانی اتومبیل را حریم خصوصی قلمداد کرده و ورود غیرمجاز به آن را مشمول مجازات قرار داده است؟ در ذیل به بحث در این خصوص می‌پردازیم.

بحثی که در اینجا مطرح است این است که آیا فضای داخل اتومبیل اشخاص حریم خصوصی تلقی می‌گردد؟ و آیا به‌مانند حریم خصوصی مسکن حرمت دارد و در صورت ورود به آن احکام حاکم بر حریم خصوصی مسکن بر آن حاکم است یا خیر؟

اتومبیل به لحاظ ماهیت، با دیگر مصادیق اشیاء متفاوت است. از آنجاکه در خودروی هر فرد، وسایل و فعالیت‌های خصوصی او نیز می‌تواند وجود داشته باشد، می‌توان انتظار معقول و متعارف نسبت به وجود حریم خصوصی در اتومبیل داشت. با توجه به ماهیت متحرک بودن اتومبیل که امکان از دسترس خارج کردن ادله و آثار جرم را ایجاد می‌کند، این وسیله شخصی همواره در معرض تعرض مأمورین پلیس و ضابطین امنیتی بوده است. به همین جهت این سؤال مطرح می‌گردد که آیا می‌توان با ورود به اتومبیل فرد آن را تجهیز و مورد پایش سمعی و بصری قرار داد. در بسیاری موارد حین بازرسی خودرو اطلاعات خصوصی شخص فاش می‌گردد؛ بنابراین در این‌گونه موارد نقض حریم خصوصی فیزیکی و اطلاعاتی توأمان صورت می‌پذیرد.

۱. ماده ۶۹۱ قانون مجازات اسلامی «هرکس به قهر و غلبه داخل ملکی شود که در تصرف دیگری است اعم از آن که محصور باشد یا نباشد یا در ابتدای ورود به قهر و غلبه نبوده ولی بعد از اخطار متصرف به قهر و غلبه مانده باشد علاوه بر رفع تجاوز حبس مورد به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شود. هرگاه مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لااقل یکی از آن‌ها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.»

نظر کمیسیون مشورتی آیین دادرسی کیفری راجع به این موضوع دارای دو نظر اکثریت و اقلیت بود^۱ که با توجه به نظر اکثریت ورود به اتومبیل نیاز به مجوز مقام قضایی نداشت. در مقابل رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، شماره ۱۷۷ - ۱۳۸۰/۶/۱۷ ورود و تفتیش و بازرسی از خودروها را منوط به کسب اجازه از مقام قضایی قلمداد کرده بود.^۲ از طرفی با توجه به اصل ۲۲ حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند بنابراین ورود پنهانی به اتومبیل که مال منقول محسوب می‌شود باید فقط در صورت وقوع جرم و به حکم قانون و به منظور کشف جرم و با حکم مرجع صالح قضایی باشد.^۳

رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه، فقط در مورد خودروهای شخصی قابل اعمال است. خودروهای عمومی مانند تاکسی، اتوبوس، وسایل باربری عمومی در حکم اماکن عمومی بوده و بازرسی آن‌ها نیاز به اجازه مخصوص مقام قضایی ندارد. (احمدلو، ۱۳۹۳: ۵۶).

سؤال اساسی اینجاست، درست است که قانون اساسی تعرض به مال افراد را ممنوع اعلام نموده است اما آیا برای این تعرض ضمانت اجرای کیفری قرار داده است؟ و یا اینکه

۱. نظر اکثریت (طبق مواد ۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری مأمورین شهربانی و ژاندارمری حق تفتیش و تفحص اماکن و اشیاء و اشخاص را دارند. فقط تفتیش منازل در غیر جرائم مشهود باید با اجازه دادستان باشد. (نظر اقلیت) بازرسی وسیله نقلیه عمومی احتیاج به کسب اجازه مخصوص از دادستان ندارد. همین‌طور است وسیله نقلیه شخصی در صورتی که به عنوان مسکن شخص مورد استفاده قرار نگرفته باشد، در موارد مصونیت، قواعد مصونیت به‌رحال باید محترم شمرده شود)

۲. رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، شماره ۱۷۷ - ۱۳۸۰/۶/۱۷ در این خصوص مقرر می‌دارد: «با صراحت قسمت اخیر ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۷ تفتیش منازل، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص در جرائم غیرمشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد هر چند اجرای تحقیقات به‌طورکلی از مصوب قضایی به ضابط ارجاع شده باشد، بنابراین بخش‌نامه شماره ۴۰۲/۰۱/۱۷۹/۱ مورخ ۷۹/۴/۱۱ اداره کل قوانین و امور حقوقی ناجا که تفتیش و بازرسی خودروها را علی‌الاطلاق و در غیر جرائم مشهود بدون کسب اجازه مخصوص از مقام قضایی مجاز دانسته و حتی دستور مقام قضایی دانسته و حتی دستور مقام قضایی در زمینه خودداری از تفتیش غیرقانونی را غیرقابل ترتیب اثر اعلام داشته است مغایر منطوق صریح ماده مذکور و حکم مقنن در باب تکلیف ضابطین دادگستری با اطاعت از اوامر قضایی و خارج از حدود اختیارات اداره مزبور در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد».

۳. نظریه شماره ۷/۲۳۱۷ مورخ ۱۳۵۶/۴/۷ ق.



قانون‌گذار ایرانی برای ورود به اتومبیل و وسایلی از این دست به منظور تجهیز برای پایش سمعی و بصری موارد مجازی را تحت شرایطی پیش‌بینی نموده است. در مالکیت افراد نسبت به اشیاء دو حق مجزا متصور است، حق مالکیت و حریم خصوصی. ممنوعیت ضبط و توقیف اموال افراد مگر به حکم قانون از تبعات حق مالکیت است. علاوه بر این در مورد اشیاء با ماهیت قابل بازرسی و تفتیش همانند کمد، کیف‌دستی، ساک، چمدان و اتومبیل و... حق حریم خصوصی نیز وجود دارد.

تصور حریم خصوصی برای اتومبیل به‌عنوان بارزترین مصداق این‌گونه اموال با توجه به اینکه می‌تواند دربردارنده وسایل شخصی و اطلاعات خصوصی مربوط به صاحب خود باشد، تصویری معقول و منطقی است. از طرف دیگر ماهیت و وضعیت متحرک این وسیله به سهولت امکان جابه‌جایی و از صحنه خارج کردن مدارک و ادله جرم را فراهم می‌آورد و در مواردی نیاز مبرم برای کشف جرم پایش سمعی و بصری آن حتی نصب تجهیزات ردیابی برای تعقیب آن را اجتناب‌ناپذیر می‌کند که باید توسط قانون‌گذار پیش‌بینی گردد.

بر اساس تبصره ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر^۱ مصوب سال ۹۴ به‌صراحت بیان شده که اماکنی که بدون تجسس در معرض دید قرار می‌گیرند، مانند مشاعات ساختمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه، مشمول حریم خصوصی نیست با استناد به این تبصره می‌توان گفت آن قسمت‌هایی از اتومبیل که در معرض عموم قرار دارد در برخی از زمان‌ها مشمول حریم خصوصی نمی‌شود یعنی حالت اتومبیل حالتی سیال است در پاره‌ای از مواقع حریم خصوصی محسوب و در زمانی دیگر

۱. ماده ۵، در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز کند. تبصره - اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست.

قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر قانونی در جهت حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر است که پس از درگذشت علی‌خلیلی توسط مجلس ایران تصویب شده است. طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در تیر ۱۳۹۳ از سوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد، کلیاتش در ۱۶ مهر همان سال و جزئیاتش در ۲۳ فروردین ۱۳۹۴ به تصویب مجلس رسید. شورای نگهبان در ۲ اردیبهشت ۱۳۹۴ آن را تصویب کرد و علی‌لاریجانی در ۹ اردیبهشت ۱۳۹۴ آن برای اجرا به دولت یازدهم ابلاغ کرد. به موجب این قانون، امر به معروف و نهی از منکر ناظر به اعمالی است که علنی بوده و بدون تجسس مشخص باشد. مراتب زبانی و نوشتاری آن را وظیفه آحاد مردم و مرتبه عملی آن را تنها وظیفه دولت دانسته‌است.

حریم خصوصی محسوب نمی‌شود البته قسمت‌هایی از اتومبیل و وسایلی مشابه همیشه حریم خصوصی محسوب می‌شوند مانند صندوق عقب، داشبورد قسمت‌های زیر صندلی و غیره، در هر صورت وفق اصل ۲۲ قانون اساسی اتومبیل از تعرض مصون است.

ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری بازرسی اشیاء را با اجازه موردی از مقام قضایی مجاز دانسته است و حتی در ماده ۵۶ تصریح نموده ضابطان دادگستری مکلفاند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند. لذا ورود به خودرو برای پایش سمعی و بصری نیازمند مجوز از ناحیه مقام قضایی است و تخلف از این مقرر قانونی موجب محکومیت سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است.^۱

البته قانون‌گذار در ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر نموده «دستور مقام قضایی برای ورود به منازل، اماکن بسته و تعطیل، تحت هر عنوان باید موردی باشد و موضوعی که تفتیش برای آن صورت می‌گیرد، زمان، دفعات ورود، اموال، اماکن و نشانی آن‌ها به‌صراحت مشخص شود. ضابطان مکلفاند ضمن رعایت دستورهای مقام قضایی، کیفیت تفتیش و بازرسی و نتیجه را در صورت مجلس تنظیم کرده، آن را به امضاء یا اثرانگشت متصرف برسانند و مراتب را حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت به مقام قضایی اعلام کنند». متأسفانه چون قید اشیاء را در این خصوص به کار نبرده است مقررات این ماده در خصوص اتومبیل مجری نخواهد بود که قانون‌گذار باید برای این مورد تدبیری اتخاذ کند.

همچنین در ماده ۱۴۲ قانون پیش‌گفته مقرر نموده «تفتیش و بازرسی منزل یا محل سکنی افراد در حضور متصرف یا ارشد حاضران و در صورت ضرورت با حضور شهود تحقیق، ضمن رعایت موازین شرعی و قانونی، حفظ نظم محل مورد بازرسی و مراعات حرمت متصرفان و ساکنان و مجاوران آن به عمل می‌آید». مقررره موصوف این معنی را

۱. ماده ۵۶- ضابطان دادگستری مکلفند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند. ماده ۵۵- ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آن‌ها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضایی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد.

ماده ۶۳- تخلف از مقررات مواد (۳۰)، (۳۴)، (۳۵)، (۳۷)، (۳۸)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۱)، (۴۲)، (۴۹)، (۵۱)، (۵۲)، (۵۳)، (۵۵)، (۵۹) و (۱۴۱) این قانون توسط ضابطان، موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است.



متبادر به ذهن می‌نماید که ورود به اتومبیل برای تفتیش و بازرسی (پایش سمعی و بصری) بدون حضور مالک و یا متصرف قانونی وسیله مذکور امکان دارد.

در هر صورت قانون‌گذار ایرانی ورود برای پایش را منوط به مجوز لازم از مقام صالح قضایی نموده است اما باید عنوان نمود که سیاست تقنینی ایران تمایلی به احصاء موارد مجاز ورود به اشیائی مانند خودرو برای تجهیز و متعاقب آن پایش سمعی و بصری ندارد و در این خصوص سکوت نموده است که این موضوع به واسطه توضیحاتی که قبلاً عنوان گردید موجبات تعارض بین سیاست جنایی تقنینی و قضایی و بیشتر از آن اجرایی را فراهم نموده است. حتی به موجب ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری تفتیش و بازرسی منازل اماکن و اشیاء در مواردی که عمل می‌آید که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم، در آن محل وجود داشته باشد^۱. لذا ورود به منظور بازرسی اتومبیل افراد زمانی مصداق پیدا می‌نماید که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم، در آن محل وجود داشته باشد. در غیر این صورت تفتیش و بازرسی از اتومبیل یا وسایل مشابه محل اشکال است. نکته مهمی که در این خصوص باید عنوان داشت این است که در تمامی موارد قانون‌گذار ایرانی در صورتی ورود به حریم خصوصی را مجاز دانسته که برای تحصیل دلیل جرم واقع شده باشد در غیر این صورت ورود را مجاز نمی‌داند و این در حالی است که دستگاه‌های امنیتی در پاره‌ای از مواقع فقط برای رصد و اشراف مبادرت به ورود به برخی از مکان‌ها اعم از منزل یا محل کار و یا

۱. دلایل: جمع دلیل است و دلیل عبارت است از راه، طریق، راهنما، جهت و آنچه برای اثبات امری بکار می‌برند و یا اینکه به چیزی که برای اثبات ادعایی مطرح می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۵) باید توجه داشت قانونگذار از دلایل سخن به میان آورده و این حاکی از آن است که جهت اهمیت موضوع بر اساس آنکه ظن قوی ایجاد شود به دلایل متعدد باید استناد کرد. بدیهی است دلیل باید معتبر و محکمه‌پسند باشد. ظن قوی: ظن به معنی گمان و حدس است و پسوند قوی نیز حکایت از قدرت، نیرومندی و توانایی زیاد این گمان و حدس می‌باشد. به عبارت دیگر قید ظن قوی یا گمان نیرومند و با قدرت و استحکام زیاد، باید به حسب دلایل محکم ایجاد شود. بازرسی: بازرسی یا تفتیش عبارت است از عمل تجسس و تفحص است که معمولاً در منزل شخص متهم به ارتکاب جرم به وسیله مقامات قضایی یا نواب آنها به عمل می‌آید. مفهوم بازرسی در اصطلاح حقوقی یعنی جست‌وجو کردن از طریق جابجایی اشیاء به منظور کشف آثار، مدارک و دلایل جرم و سپس ضبط و توقیف آنان می‌باشد. (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۰: ۵) (ماده ۱۳۷- تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرسی اشیاء در مواردی که حسب قرائن و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازپرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده، انجام می‌شود).

اتومبیل افراد نموده و با تجهیز فنی مکان‌ها و وسایل موصوف پایش سمعی و بصری می‌نمایند لذا از یک طرف نیاز دستگاه امنیتی است که برای تأمین امنیت شهروندان و کشور طرح‌ریزی و عملیات اطلاعاتی انجام دهد از طرف دیگر قانون‌گذار باید چارچوب، شرایط حدود و ثغور این‌گونه از اقدامات را به‌صورت جامع و مانع مشخص نماید تا به‌واسطه این تعیین چارچوب از حریم خصوصی شهروندان در مقابل اقدامات خارج از قانون محافظت نماید. چراکه ابهام و نقص قانون‌گذاری در این مورد (خودرو و اشیاء) به‌خصوص مانع نبوده بیشتر موجبات تعدی و تشتت را به وجود می‌آورد.

مرجع تعیین موارد مجاز در پایش مخفیانه

آنچه که باید مورد اشاره قرارگیرد آن است که اصل بر عدم هتک و پایش مخفیانه مکان‌ها بوده و موارد مجاز نیاز به اذن قانون دارد. در این راستا در ماده ۱۶ لایحه حمایت از حریم خصوصی که هنوز به تصویب مجلس نرسیده است آمده است که «منازل و اماکن خصوصی مصون از تعرض اند. هیچ‌کس نمی‌تواند وارد منزل یا مکان خصوصی دیگری شود یا هر نوع وسیله پایش در آنجا قرار دهد مگر با رضایت متصرف قانونی یا با مجوز قضائی.» این ماده از لایحه اگر به تصویب مقنن ایرانی می‌رسید یکی از روشن‌ترین مواد قانونی بود که دورنمای درستی از چارچوب و ماهیت موارد غیرمجاز پایش بصری ارائه می‌داد. چراکه اولاً مشخص می‌شد که هرگونه تعرض به منازل و اماکنی که عرفاً خصوصی محسوب می‌شوند ممنوع بوده، هیچ‌کس ابتدا به ساکن حق نقض و تعرض به حریم خصوصی مسکن را ندارد. از این‌رو نقض فقط شامل اماکن خصوصی^۱ می‌شد و اماکن غیرخصوصی و یا به تعبیر دیگر عمومی را شامل نمی‌شد. همچنین بنا به عبارت پایانی ماده مذکور که به‌صراحت عنوان می‌دارد قرار دادن هر نوع وسیله پایش در منازل و اماکن خصوصی ممنوع است، هر نوع وسیله پایش اعم از دوربین، میکروفون، وسایل ارسال تصاویر از راه دور و یا حتی به‌کارگیری قابلیت‌های گوشی‌های هوشمند تلفن همراه برای جاسوسی بصری مشمول این ماده می‌شود لذا این ماده به‌صراحت اصل را عدم پایش بصری و موارد استثناء را رضایت متصرف قانونی یا مجوز قانونی تعیین نموده است که در صورت

۱. در بند ۲ ماده یک لایحه حمایت از حریم خصوصی از عنوان «اماکن خصوصی» به‌عنوان مترادف ملک و در مقابل منزل استفاده شده است که به موجب آن: (اماکن خصوصی: اماکن متعلق به اشخاص خصوصی یا در تصرف آن‌هاست که ورود دیگران به آنجا یا عرفاً مجاز نیاز نیست یا متصرف قانونی به نحو مشخص در چارچوب قانون، ورود دیگران به آن اماکن را ممنوع اعلام کرده است همچون بخش‌های مشترک مجتمع‌های آپارتمانی).



تصویب تا حدود زیادی ابهامات را در این خصوص مرتفع می‌نمود. حال که لایحه حریم خصوصی هنوز از گذر تصویب مجلس عبور نکرده است^۱ به‌ناچار برای تعیین سیاست تقنینی ایران در این شق از موضوع باید به مراد دیگری اشاره نمود تا شاید بتوان ترسیم درستی از وضعیت فعلی حقوق موضوعه ایران در این خصوص ارائه داد.

در حال حاضر موارد مجاز شنود بر اساس سه مصوبه‌ای^۲ است که شورای عالی امنیت ملی، طی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۷ تصویب کرده است. بر اساس این مصوبات نیز، دفتر نظارت بر اجرای اصل ۲۵ قانون اساسی وظیفه صدور مجوز انواع پایش (شنود) را بر عهده دارد و مرجع صدور موارد استثناء جواز به عهده این دفتر می‌باشد که در ذیل ماهیت حقوقی این مصوبات مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. (برگرفته از گزارش مرکز تحقیقات اسلامی مجلس به آدرس اینترنتی www.cmirq.ir)

جایگاه حقوقی دفتر نظارت شورای عالی امنیت ملی

شورای عالی امنیت ملی^۳ در نظام جمهوری اسلامی ایران دارای جایگاه قانون اساسی بوده لکن مجموعه قوانین و یا قانون مدون و مکتوبی در رابطه با وظایف و اختیارات خود ندارد. شورای امنیت ملی در نظام جمهوری اسلامی ایران به‌جهت ارتباط ناگسستنی میان مقوله‌ی امنیت ملی با بخش‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اطلاعاتی کشور، متشکل از افراد رده بالای حکومتی و مقامات عالی‌رتبه کشوری و لشگری می‌باشد. (امین، ۱۳۸۸: ۳)

۱. در ایران خلأ قانونی جدی در حمایت از حریم خصوصی به‌ویژه حریم خصوصی اطلاعات باعث شد قانونگذار در بند «ه» ماده ۱۳۰ برنامه چهارم توسعه، قوه قضاییه را موظف به تهیه لایحه حمایت از حریم خصوصی در راستای اجرای اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نمود. متأسفانه تاکنون قوه قضاییه اقدامی نسبت به اجرای بند «ه» ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه انجام نداده است.

۲. برای مثال مصوبه ۱۸۷ آن مقرر می‌دارد «چون طرح مساله شنود در مجلس شورای اسلامی به مصلحت نبوده، لذا حدود و چارچوب آن در شورای عالی امنیت ملی تدوین و تصویب گردید.»

۳. شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، شورایی است که به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ایران، به ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌گردد. این شورا مهم‌ترین وزنه تصمیم‌گیری در سیاست خارجی و امور دفاعی و امنیتی کشور محسوب می‌شود. اعضای این شورا را مقامات عالی‌رتبه سیاسی، نظامی و اطلاعاتی ایران تشکیل می‌دهند. دبیر شورای عالی امنیت ملی با انتخاب مستقیم رئیس‌جمهور تعیین می‌شود و مسئولیت اداره دبیرخانه و نظارت بر اجرای صحیح تصمیمات و مصوبات شورا و امور اداری و اجرایی شورا را بر عهده دارد.



در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال طی دوره‌ای از تمرکز نداشتن نهادهای امنیتی، سرانجام در جریان بازنگری قانون اساسی شورایی تحت عنوان شورای عالی امنیت ملی شکل گرفت که ساختار و وظایف آن در اصل ۱۷۶ قانون اساسی تبیین شده است. بر اساس همین اصل تصمیمات این شورا پس از تأیید مقام رهبری قابل اجرا است. باین حال پس از تشکیل شورای یادشده هیچ قانون یا مقرره‌ای که به تبیین ماهیت حقوقی مصوبات شورا بپردازد صادر نشده است. همچنین به دلیل محرمانه بودن مصوبات شورای عالی امنیت ملی و منتشر نشدن رسمی آن‌ها تعیین ماهیت حقوقی این مصوبات و همچنین تشریح و نظریه‌پردازی در خصوص آن‌ها از ناحیه دکترین مانند آنچه در خصوص سایر قوانین منتشره در روزنامه رسمی رخ می‌دهد وجود ندارد. (مقدسی و اکبری، ۱۳۹۶: ۸۴۷) با توجه به موارد پیش گفته در خصوص روند پایش از حریم خصوصی افراد بر اساس سه مصوبه‌ای که شورای عالی امنیت ملی، طی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۷ تصویب کرده است. و همچنین تشکیل دفتر نظارت بر اجرای اصل ۲۵ قانون اساسی که وظیفه صدور مجوز انواع پایش (شنود) را پس از تنفیذ رئیس کل دادگستری البته با مصوبات این شورای عالی امنیت ملی بر عهده دارد، ضرورت تبیین جایگاه حقوقی شورا و همچنین مصوبات آن چه به صورت مستقل و چه در تعارض یا همپوشانی با سایر قوانین و مقررات پایش از پیش احساس می‌شود.

در این خصوص سه رویکرد نسبت به جایگاه حقوقی مصوبات شورای عالی امنیت ملی در میان دکترین حقوق وجود دارد. برخی از این متفکرین مصوبات شورای عالی امنیت

۱. اصل ۱۷۶ قانون اساسی مقرر می‌دارد «به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی (شورای عالی امنیت ملی) به ریاست رئیس‌جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد.
 - ۱- تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری
 - ۲- هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی.
 - ۳- بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.
- اعضای شورا عبارتند از: - رؤسای قوای سه‌گانه - رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح - مسئول امور برنامه و بودجه - دو نماینده به انتخاب مقام رهبری - وزرای امور خارجه، کشور، اطلاعات - حسب‌مورد وزیر مربوط و عالی‌ترین مقام ارتش و سپاه. شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد. ریاست هر یک از شوراهای فرعی با رئیس‌جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس‌جمهور تعیین می‌شود. حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند و تشکیلات آن‌ها به تصویب شورای عالی می‌رسد. مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست.»



ملی را به‌مثابه مقررات اجرایی قلمداد نموده‌اند این تفکر با بررسی مصوبات شورا به شیوه استقرایی و با استناد به پرونده‌های مطرح در آن، جایگاه حقوقی این مصوبات را پایین‌تر از قوانین عادی و در حد مقررات اجرایی می‌داند گروه دیگری مصوبات شورای عالی امنیت ملی را در عین آنکه به‌منزله اصول راهبردی در جهت تأمین اهداف متعالی مقرر در اصل ۱۶۷ قانون اساسی معرفی کرده‌اند، اما چارچوب این مصوبات را تصمیماتی موردی دانسته‌اند که تنها در صورت قرار داشتن در حیطه اختیارات مقام رهبری، نهادهای نظامی را به تبعیت از محتوا و مفاد آن مکلف می‌نماید (بالوی، ۱۳۸۵: ۹۹) اما عده‌ای دیگر معتقدند که با مطالعه مواردی چون نظریات شورای نگهبان، آرای برخی مراجع قضایی مصوبات این شورا چنانچه در چارچوب صلاحیت موضوعی آن تصویب شوند، عملاً در جایگاهی هم‌تراز و حتی در مواقعی بالاتر از قوانین عادی قرار می‌گیرند و به دلیل ساختار مستقل نهاد تصویب‌کننده آن، با وضع قوانین و مقررات بعدی قابل نسخ یا تغییر نیستند. در همین راستا با وجود سکوت قانون اساسی در خصوص جایگاه حقوقی مصوبات شورای عالی امنیت ملی، با استناد بر نظریات شورای نگهبان، برخی آرای قضایی و همچنین دیدگاه‌های موجود در دکترین حقوقی در این باره عنوان می‌گردد؛ در صورتی که مصوبات شورا در چارچوب محورهای موضوعی سه‌گانه مطرح در اصل ۱۶۷ قانون اساسی صادر شوند. در تراز بالاتر از قوانین عادی جای گرفته و مصوبات مجلس شورای اسلامی نیز با وجود صلاحیت عام خود برای قانون‌گذاری نمی‌تواند این مصوبات را تغییر یا لغو کند. برای مثال در برخی موارد شورای نگهبان در برخی از نظریات^۱ خود صلاحیت قانون‌گذاری مجلس را به ملاحظه مصوبات شورای عالی امنیت ملی در آن موضوع منوط کرده است و در این نظریات نیز مستند اصلی اصل ۱۷۶ قانون اساسی است. علاوه بر این موارد در رویه قضایی دیوان عدالت اداری تصریحاتی^۲ وجود دارد مبنی بر ناممکن بودن نقض این

۱. در تاریخ ۱۳۸۹/۹/۱۷ لایحه برنامه پنجم پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در مواد ۱۲۴ تا ۱۲۶ این لایحه به تعیین تکلیف دولت در خصوص گسترش انرژی‌های پاک پرداخته شد شورای نگهبان در نامه شماره ۴۰۹۶۸ تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۶ در خصوص این مواد اظهارنظر و اعلام کرده است که «باتوجه به اینکه شورای عالی امنیت ملی در مورد مباحث مربوط به انرژی هسته‌ای مصوباتی دارد باید با ملحوظ داشتن مصوبات شورا لایحه در خصوص انرژی‌ها و از جمله انرژی هسته‌ای تصویب شود.»

۲. برای مطالعه بیشتر در این خصوص و ملاحظه تصریحات دیوان عدالت اداری در این خصوص مراجعه شود به مقاله جایگاه حقوقی مصوبات شورای عالی امنیت ملی در نظام حقوق اساسی ایران مهدی مقدسی و احسان اکبری صفحات ۹ تا ۱۱.

مصوبات به وسیله قانون مؤخر لذا در فرضی که این مصوبات جایگاهی هم‌تراز یا پایین‌تر نسبت به قوانین عادی داشته باشند چنین احکامی مبنی بر ناممکن بودن نقض آن‌ها از سوی قوانین مؤخر، منطقی و پذیرفته شده نخواهد بود. از همین منظر می‌توان نتیجه گرفت که رویه قانونی کشور به سمت بالاتر بودن جایگاه مصوبات شورا نسبت به قوانین عادی سوق دارد البته باید عنوان نمود این مصوبات در مقام سلسله مراتبی جایگاهی پایین‌تر از اصول قانون اساسی و همچنین احکام حکومتی دارند (مقدسی و اکبری ۱۳۹۶: ۸۹۰)

به نظر از مطالب گفته شده می‌توان این‌گونه برداشت نمود که مصوبات شورای عالی امنیت ملی در حوزه سه محور تعیینی از ناحیه اصل ۱۷۶ قانون اساسی بر قوانین عادی برتری دارند در عوض این مصوبات در خارج از این موارد، شاکله اجرایی نخواهند یافت. به هر روی در حوزه پایش‌ها نیز باید عنوان نمود که در برخی از موارد پایش برای مثال پایش گروه‌های مسلح مخالف نظام که جنبه امنیت ملی داشته از این منظر مصوبات شورا در راستای رصد آن‌ها لازم‌الاجرا است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در تحقیقی که از نظر گذشت به بررسی پیامدهای حقوقی پایش بصری و سمعی امکانه خصوصی پرداخته شد. باید اشاره نمود که این پایش عموماً در نتیجه عملیات پلیسی و به هدف کشف جرم یا تحقیقات مقدماتی صورت می‌پذیرد. اما این موضوع که این پایش‌ها به واسطه نهادهای امنیتی وابسته به قوه مجریه انجام می‌شود نمی‌تواند توجیه‌کننده آن از جهت عدم رعایت برخی قواعد و حقوق شخص پایش‌شونده باشد. دیده شد که محل خصوصی از ویژگی خاصی برخوردار نیست و صرفاً اطلاق عنوان محل سکونت یا حریم خصوصی بر آن؛ باعث می‌شود تا تحت حمایت قانون از حیث منع پایش یا ایجاد محدودیت برای آن قرار گیرد. (اعم از آنکه کوچک باشد یا بزرگ، موقتی یا دائم، ساکن یا سیار و ...) به هر روی بحث اصلی که مطرح می‌گردد در مسئله حل تعارض میان دو مفهوم، یعنی حریم خصوصی و کشف حقیقت است. در قانون اساسی صراحتاً مسکن افراد از تعرض مصون دانسته است. قانون‌گذار ایرانی ورود برای پایش را منوط به مجوز لازم از مقام صالح قضایی (و در موارد استثنایی شورای عالی امنیت ملی) نموده است. باید عنوان نمود که به نظر می‌رسد سیاست تقنینی ایران تمایلی به احصاء موارد مجاز ورود به املاک و اشیائی مانند خودرو برای تجهیز و متعاقب آن پایش سمعی و بصری ندارد و در این خصوص سکوت نموده است که این موضوع موجبات تعارض فی‌مابین قانون و نحوه اجرای



آن را فراهم نموده است و در این خصوص باید به مصوبات شورای عالی امنیت ملی مراجعه نمود. حتی به‌موجب ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری تفتیش و بازرسی منازل اماکن و اشیاء در مواردی به عمل می‌آید که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم، در آن محل وجود داشته باشد. لذا ورود به‌منظور بازرسی اتومبیل افراد زمانی مصداق پیدا می‌نماید که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم، در آن محل وجود داشته باشد. در غیر این صورت تفتیش و بازرسی از اتومبیل یا وسایل مشابه محل اشکال است. نکته مهمی که در این خصوص باید عنوان داشت این است که در تمامی موارد قانون‌گذار ایرانی در صورتی ورود به حریم خصوصی را مجاز دانسته که برای تحصیل دلیل جرم واقع شده باشد در غیر این صورت ورود را مجاز نمی‌داند و این در حالی است که دستگاه‌های امنیتی در پاره‌ای از مواقع برای مثال ظن وجود اقدامات تروریستی فقط برای رصد و اشراف مبادرت به ورود به برخی از مکان‌ها اعم از منزل یا محل کار و یا اتومبیل افراد نموده و با تجهیز فنی مکان‌ها و وسایل موصوف پایش سمعی و بصری می‌نمایند. از یک‌طرف نیاز دستگاه امنیتی است که برای تأمین امنیت شهروندان و کشور طرح‌ریزی و عملیات اطلاعاتی انجام دهد از طرف دیگر قانون‌گذار باید چارچوب، شرایط و حدود و ثغور این‌گونه از اقدامات را به‌صورت جامع‌ومانع مشخص نماید تا به‌واسطه این تعیین چارچوب از حریم خصوصی شهروندان در مقابل اقدامات خارج از قانون محافظت نماید. چراکه ابهام و نقص قانون‌گذاری در این مورد به‌خصوص مانع نبوده بیشتر موجبات تعدی و تشدد را به وجود می‌آورد. لذا در این خصوص پیشنهاد می‌شود همانند ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری قانونی جامع به تصویب قانونگذار برسد که جامع موارد مجاز و غیرمجاز ورود به حریم خصوصی جهت انجام فرآیند شنود باشد.

لذا حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد در رابطه با پایش‌های سمعی و بصری به نظر با هماهنگی و همکاری بین قوا و یا به عبارتی بین همه قوا و نهادهای قانون اساسی امکان‌پذیر بوده که به نظر با تعریف جامع‌ومانع از مصادیق مجاز و غیرمجاز انواع پایش و در نظر گرفتن حمایت‌های کیفری و حقوقی متناسب در مقابل پایش‌های غیرمجاز این مهم صورت خواهد گرفت و این مهم جز با هماهنگی و هم‌افزایی بین بخشی در میان قوا و نهادهای حاکمیتی امکان‌پذیر نیست.

منابع

فارسی

- آقابابایی، حسین (۱۳۹۷)، *حریم خصوصی در حقوق کیفری اسلام*، چاپ دوم، نشر پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، تهران.
- آقایی‌نیا، حسین (۱۳۹۶)، *جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)*، چاپ هشتم، تهران، نشر میزان.
- احمدلو، مونا (۱۳۹۳)، *حریم خصوصی در فقه و حقوق ایران*، تهران، مجد.
- امین رعیا، حامد (۱۳۸۸)، *بررسی تطبیقی جایگاه حقوقی شورای عالی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران و آمریکا*، به راهنمایی ناصر منصوریان، دانشگاه علامه طباطبائی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق.
- بالوی، مهدی (۱۳۸۵)، *مطالعه تطبیقی شورای عالی امنیت ملی ایران در مقایسه با سایر کشورها*، به راهنمایی اردشیر امیرارجمند، دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، جلد ۵، تهران، دانشگاه تهران.
- رضایی، حمزه، (۱۳۹۸)، *دادرسی کیفری و حریم خصوصی*، نشر گیوا.
- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۰)، *ترمینولوژی حقوق*، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- جمشیدی، سمیه (۱۳۹۷)، *حریم خصوصی؛ قلمرو، مصادیق و تحلیل مبانی فقهی آن از منظر فقه امامیه*، چاپ اول، تهران، نشر ابتکار قلم.
- شکری، رضا و قادر؛ سیروس (۱۳۸۴)، *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی*، تهران، نشر مهاجر.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۳)، *محتشای قانون مجازات اسلامی: بر مبنای قانون مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ (به همراه مفاهیم جدید و قوانین جزایی پیشین)*، چاپ سوم، تهران، مجد.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۶)، *بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)*، چاپ پانزدهم، تهران، میزان.
- معین، محمد، (۱۳۸۷)، *فرهنگ فارسی معین*، یک جلدی، تهران، انتشارات فرهنگ‌نما و آراد، چاپ نخست.
- مقدسی، مهدی؛ اکبری، احسان، (۱۳۹۶)، *جایگاه حقوقی مصوبات شورای عالی امنیت ملی در نظام حقوق اساسی ایران*، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۷ شماره ۴.
- میرزایی، سیدامین (۱۳۹۹)، *حکومت و حریم خصوصی افراد*، چاپ اول، نشر فانوس دنیا.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۸)، *جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص*، چاپ سوم، تهران، میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۹)، *جرایم علیه اموال و مالکیت*، چاپ ۳۱، تهران، میزان.

وبگاه‌ها

www.yasa.com
www.cmirq.ir

